

زیارت در دائرة المعارف اسلام

* اسکات اس. ریس

* ترجمه: هادی ولی پور

چکیده:

بزرگترین مجموعه پژوهشی مستشرقین در رابطه با دین اسلام، دائرة المعارف اسلام (EI) نشر لیدن هلند است که با تلاش خاورشناسانی چون گلدزیهر، دخویه و هوتسما از سال ۱۹۰۸ میلادی آغاز و تاکنون به ویراست سوم (EI³) رسیده است. از آنجا که موضوع زیارت به جهت پرسش‌ها و چالش‌های فراروی آن در عصر حاضر، مورد توجه اندیشمندان مسلمان بسیاری قرار گرفته، به نظر می‌رسد ترجمه و ارزیابی مطالبی که از نگاه تاریخی و با روش خاص مستشرقین غیر مسلمان نگاشته شده، می‌تواند در تبیین برخی ابعاد موضوع مفید باشد. مدخل زیارت در دائرة المعارف اسلام، مدخلی مفصل است که توسط چندین تن از مستشرقان تحریر گشته و مناسک و کتاب‌های زیارتی را در ده نقطه مهم از جهان اسلام مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله، تنها بخش نخست آن ترجمه شده و بخش‌های بعد نیز - در صورت توفیق - در شماره‌های آینده ملحق می‌گردند.

کلمات کلیدی: زیارت، مقبره، مناسک، قدیس، شفاعت

*. استادیار تاریخ در دانشگاه آریزونا شمالی، ایالات متحده آمریکا. Scott S. Reese

*. مدیر ترجمه پژوهشکده حج و زیارت، Hadi.Valipoor.B@Gmail.com

گستره جغرافیایی زیارت

زیارت به معنای دیدار و سفر مؤمنان به مکانی مقدس، آرامگاه و مقبره است. [در این مقاله مبحث زیارت در ده عنوان بررسی می‌شود. شایان توجه است رویکرد این مقاله تنها بر پایه منابع تاریخی است]:

۱. در سرزمین‌های مرکزی و شرقی عرب در دوران قبل از مدرنیته (۱۸۰۰ م)؛
۲. در سرزمین‌های عربی مرکزی از ۱۸۰۰ میلادی تا به امروز؛
۳. در میان قبطیان مصر؛
۴. در مغرب؛
۵. در ایران و سایر سرزمین‌های شیعه مذهب؛
۶. در خاک ترکیه و همچنین بالکان و آسیای مرکزی؛
۷. در میان مسلمانان هند؛
۸. در اندونزی
۹. در آفریقای مرکزی و غربی؛
۱۰. در شاخ آفریقا.

زیارت در سرزمین‌های مرکزی و شرقی عرب قبل از مدرنیته (۱۸۰۰ م.)

بر خلاف حج به عنوان زیارت اصلی و عمره که در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد، به بقیه زیارات در متن مقدس (قرآن) اشاره نشده است. در منابع قرون وسطایی عربی و عبری یهودیان و مسیحیان، فراوان به ایشان دستور داده شده تا به زیارت مقابر و آرامگاه‌های اشخاص مقدس بروند (J.W. Meri, 1998) و یهودیانی که در نزدیکی سرزمین‌های شرقی ساکن بودند، به‌طور معمول به زیارت اماکن مقدس در سرزمین (بیت المقدس)، شام، عراق و ایران می‌رفتند. بنیادی‌ترین و مهمترین معنای لفظ «زیارت» برای قبور مردگان استفاده می‌شود (زيارة القبور)؛ همچنانکه در منابع مختلف سنن و احادیث منعکس شده اما هرگز به‌طور خاص در مورد قدیسن و پیامبران به کار نرفته است. در دیگر منابع قرون وسطایی نیز به جای لفظ زیارت از الفاظ سفر یا سفر به زیارت قبور استفاده شده است. در احادیث پیامبر اسلام، عموماً نسبت به زیارت عبادتگاه‌های مسیحیان، تبعیت از سنت‌های بت پرستی و شرک و همچنین برجسته ساختن قبرها و بالا

آوردن مقبره از سطح زمین ممانعت شده است. پیامبر اسلام به زیارت مقابر افراد در گذشته می‌شتافت تا برای آنان دعا و برایشان درخواست آموزش کند. زیارت در موارد دیگری نیز غیر از زیارت قبر به کار می‌رود. برخی از مریدان و زاهدان به زیارت مسجد یا اماکن مقدس می‌روند و برخی از آنها نیز زیارت اشخاص مقدس و افسانه‌های مربوط به ایشان که در آن صحبت از چشمه و چاه و کوه و غار و غیره است را به جا می‌آورند. همچنین زیارت قدیسین در گذشته (اولیاء الله)، پیامبران، عارفان و اشخاص مقدس نیز معمول است.

نوع دیگری از زیارت به اشیا قابل احترام تعلق می‌گیرد؛ مانند پافزار (یا کفش) پیامبر (al.Yunini, 1954) همچنین مریدان به زیارت مرشدان قدیس و صوفیان و افرادی که به خاطر پارسایی‌شان مورد احترام‌اند، می‌روند تا از ایشان بینش معنوی بگیرند و متبرک گردند. (M.M.Chamberlain)

در یکی از قدیمی‌ترین منابع متکلمین مسلمان در قرن دوم قمری (قرن هشتم میلادی) در خصوص آداب زیارت مطالبی آمده است. حسن بصری (م ۱۱۰ق، ۷۲۸م) در متنی که در رابطه با آداب و منش صحیح زیارت قبور است، به سرزنش افرادی می‌پردازد که هدف اصلی زیارت را به فراموشی سپرده و خویشتن را به رفتارهای ناپسندی؛ مانند اکل و شرب مشغول کرده‌اند (al-Turkumani, 1986).

الف) زیارت شیعیان در سرزمین‌های عربی

شیعیان - اهل هر منطقه‌ای که باشند - به زیارت حرم نواده پیامبر [امام] حسین [علیه السلام] و دیگر امامان شیعه توجه بسیاری دارند. البته زیارت به مثابه حج واجب نبوده، به طوری که همان درجه و جوب، همان فضایل و همان پاداش‌ها بدان نسبت داده شود. عتبات بزرگ شیعه و شهرهای زیارتی، تقریباً قبله دوم ایشان به حساب می‌آید. تهدید به مجازات الهی برای کسانی که عمل زیارت را انجام نمی‌دهند به طور برجسته‌ای در روایات به چشم می‌خورد. شیعیان به شفاعت امامان برای پیروانشان معتقدند، برخلاف سنی‌ها و عالمانی مانند غزالی و ابن قیم جوزی که منکر شفاعت امامان بوده و آن را تنها به پیامبر نسبت می‌دهند. روایات زیارت در بستر خصومت سنی و شیعه طلوع کرد و با کشتار [امام] حسین و شیعیانش در کربلا شدت گرفت.

اقامة نماز واجب (صلاة الفريضة) برابر با انجام حج بر آورد شده و خواندن نماز نافله برابر با انجام عمره. برخی روایات شیعی اظهار می دارند که زیارت کربلا در روز عرفه برابر با هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد با همراهی پیامبر است. (al-Shaykh al-Mufid, 1988, p20) از آنجا که زیارت به عنوان یک جایگزین قانونی و شرعی برای حج نیست بنابراین، معنای این پاداش ها که از پاداش حج هم تجاوز کرده، مشخص است. اباعبدالله (امام صادق [ع]) ملزومات زیارت حسین [ع] را با انجام حج مشابه دانسته و گفته است: آنچه در زیارت حسین واجب است، همانهایی است که در حج واجب است. (Ibn Kuluya . p.250)

در بسیاری از روایات نیز جایگاه ستوده زیارت بیان شده است. (Ibid, p. 141)

شیعیان بیش از اهل سنت بر آیین زیارت تأکید دارند و در حقیقت هیچ متکلم شیعی مخالف انجام زیارت نیست. نهادینه شدن آیین زیارت منجر به شکل گیری مراکز زیارتی در شهرها و شهرستان های عراق گردید. همینطور جایگاه زیارتی امامان شیعه و خانواده پیامبر حتی بعد از سلسله فاطمیون مصر در دیگر سلسله های سنی مذهب حفظ گردید. (Taylor, 1992, p. 3)

ب) مخالفت با زیارت

مخالفت با زیارت پس از تأسیس مکتب فقهی حنبلی در عراق متبلور گشت. احمد بن حنبل چنین مخالفتی نداشت بلکه نسل های بعدی عالمان حنبلی نگران اعمال زیارتی مسلمانان بودند که مخالف قرآن و سنت به شمار می آمد. ابن حنبل در ابتدا مخالف قرائت قرآن در مراسم تدفین بود اما بلافاصله در فتوای خود تجدید نظر نمود. (al Ghazali, p. 492)

حنبللی ها تصریح می کردند از آنجا که تقدیس امامان و افراد پارسا و زیارت قبورشان هیچ سابقه دینی ندارد (به استثنای قرائت سوره فاتحه برای افراد در گذشته و تفکر در مورد مرگ و قیامت)، زیارت عملی بدعت آمیز به شمار آمده و تقدیس افراد پارسا مصداق شرک است. حنبلی ها همچنین زیارت را به این دلیل که موجب تشویق امور غیر اخلاقی؛ مانند اختلاط زن و مرد در موسم های زیارتی می گردد رد کردند. از

اولین محکومیت‌های صادر شده در خصوص زیارت سخنان فقیه بغدادی ساکن دمشق ابن عقیل (م ۵۱۳ ق. ۱۱۱۹م) است. وی احساسات مردم نادان و رنجور (مردم عادی) را با این شعار که «این اعمال زیارتی چیزهای خود در آوردی است» برانگیخت. ابن عقیل استدلال می‌کند که طرفداران فرق مذهبی‌ای که معتقد به زیارت قدیسان هستند، زیارت قبور و حرم‌ها را با استناد به روایتی از صحابی پیامبر، جابر بن عبدالله انصاری توجیه می‌کنند. در این روایت بیان شده که پیامبر مسجد احزاب را در سه روز دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه زیارت کرد (G.Makdisi, 1997, p.209).

بنابر این روایت، ابن عقیل و نسل‌های بعدی از حنبلی‌ها این مسأله را بررسی کردند که آیا زیارت قبور قدیسان و اولیاء الله و حرم ایشان (مشاهد) و همچنین مساجدی که قبور اولیای الهی در آنها قرار دارد، جایز است یا خیر؟

زاهدان و عابدان نیز در مناجات‌های دینی شبانه که به نام «احیاء» معروف است، به خواندن قرآن و نماز و دعا در کنار این قبور اهتمام دارند. اینگونه مراسمات به‌طور غیر قابل توجیهی در مظان اتهام قرار داشت. ابن عقیل، وقایعی از زنان و مردان ذکر می‌کند که در اینگونه مجالس مرتکب اعمال غیر اخلاقی شده‌اند و مبالغه‌نگفتی را نیز هدر داده‌اند. وی در ادامه، شرح و تفصیلی از «مراسم اعتراض» ارائه می‌کند که مشتمل بر «چراغ‌های فانوسی، بوسیدن مقابر، پوشاندن قبور با عطر، خطاب کردن مردگان با عریضه‌های دادخواست، نوشتن اذکار بر اوراق، برداشتن مقداری از خاک قبر جهت تبرک و آویزان کردن تکه‌ای از لباس کهنه مرده بر روی درخت» است. وی استدلال می‌کند که این اعمال مانند رسوم جاهلیت عرب است (Makdisi, p. 210).

ابن تیمیه (م ۱۳۲۸ ق. / ۷۲۸ م) از نخستین ناقدان فرقه‌های قدیس مآب و صاحب رساله‌ها و فتوای فقهی بسیار چالش برانگیز در موضوع زیارت بود. وی بینشی خاص را در آداب زیارات اولیای الهی در میان مسلمانان و مسیحیان در سراسر خاور نزدیک ارائه کرد؛ به ویژه در دمشق که سال‌های فراوانی محل سکونتش به شمار می‌رفت.

ابن تیمیه میان زیارت بدعت آمیز که با رسومات کافران و یهودیان و مسیحیان آمیخته است و زیارت شرعی که پیامبر اسلام ﷺ بدان سفارش نموده، تفاوت می‌نهد.

زیارت بدعت آمیز به مثابه شرک است؛ زیرا زائر چنین فکر می کند که دعایش در این مرقد و مزار مستجاب می گردد یا برای مردگان دعا می کند و بارش باران را به واسطه وی درخواست می کند و خداوند را به حق آن مرحوم قسم یاد می کند تا نیازهایش برآورده گردد. (Madjmu' fatawa, 1991, v. xxvii, p.31).

با این حال، ابن تیمیه احتمال استجاب دعا را انکار نمی کند تا آنجا که می گوید: «اگر چیزی هم اعطا گردد از قبال فضایل و شایستگی های اخلاقی صاحب قبر است.» (Iktida al-sirat al-mustakim mukhalafat ahl al-djahim, 1950, p. 374). در حالی که برخی متکلمان اذعان به نوعی ارتباط میان مردگان و زندگان دارند. ابن تیمیه استدلال می کند که در زیارت شرعی اسلامی، زندگان در استجاب دعاهایشان نیازی به درخواست از مردگان یا شفاعت آنها ندارند، بلکه این مردگان هستند که از زندگان بهره می گیرند و خداوند متعال به واسطه دعای ایشان، بر اموات رحمت و مغفرت می فرستد (Madjmu' fatawa, xxvii, p. 71).

ابن قیم جوزی (م ۷۵۱ ق - ۱۳۵۰م) شاگرد نامدار ابن تیمیه، با ادامه دادن جنگ صلیبی استادش علیه آداب زیارت و ایجاد تهدید علیه جمهور مسلمانان، در قالب جدلی چالشی چنین بیان می کند که آداب و رسوم زیارت در سوریه قرون وسطی؛ مانند آداب و مناسک حج و زائران مکه است. (Ibn Kayyim al Djawziyya, 1986, p. 220). در اوایل قرن بیستم، خشک مقدسان وهابیت که پیروان آموزه های ابن تیمیه بودند دست به تخریب آثار تاریخی بنا شده بر روی مقابر و مزارات صحابه در سرتاسر حجاز زدند.

ج) تایید زیارت

ابوحامد غزالی (م. ۵۰۵ ق - ۱۱۱۱م) در کتابش «احیاء العلوم» به دفاع از موضوع زیارت پرداخته، مخالفان را مؤاخذه و وجود اولیای الهی و زیارت مزاراتشان را جایز دانسته است. اما وی نیز معنای حقیقی زیارت را تنها مرتبط با اولیای الهی ندانسته است. وجود تقدس موجب مؤثر بودن امکنه حج و زیارت شده است. مسلمانان، حسی فراگیر از تقدس مردگان دارند که در اعمال و آداب زیارت و ارتباط با امکنه مقدس متجلی شده است.

غزالی بر جهان‌شمولی تجربه‌های معنوی زائران متعبد به زیارت اموات تأکید می‌کند و آن را موضوعی پرتکرار در میان راهنمایان حج می‌داند.

زیارت باید مطابق سنت نبوی انجام شود. اهداف زیارت نزد غزالی عبارت‌اند از: تفکر، یادآوری مرگ و دستیابی به رحمت الهی. این دیدگاه را حتی حنبلی‌ها نیز می‌پذیرند. با این حال، ممکن است تضرع کنندگان و عابدان با تفکر و تضرع خود - و نه از طریق قدیس در گذشته به رحمت الهی - دست یابند. تنها پیامبر [ﷺ] از این قاعده مستثناست. غزالی دو روایت ذکر می‌کند که در یکی از آنها زیارت قبور از اسباب ذکر و عبرت گرفتن به شمار آمده است. زیارت مزارات اولیای خدا جهت طلب رحمت و عبرت بسیار سفارش شده است. پیامبر اسلام ابتدا زیارت قبور را منع و سپس اجازه دادند. آنگاه غزالی به نقل روایتی معتبر در رابطه با [امام] علی [ع] می‌پردازد که در آن پیامبر اسلام نظر خود را در خصوص زیارت مسلمانان از قبور تغییر داد.

برخلاف حنبلی‌ها، غزالی تفاوتی میان زیارت مزارات اولیای الهی و قبور مردگانی که مورد علاقه بستگان‌شان بودند قائل نمی‌شود؛ زیرا هدف از زیارت و همچنین درخواست از خداوند برای هر دو دسته یکسان است. از آنجا که پیامبر اسلام مزار مادر خویش را زیارت کردند، برای مسلمانان نیز زیارت قبور جایز و یادآور لحظهٔ مرگ است. اما پیامبر هیچگاه قبری را نبوسید، روی قبری دراز نکشید و بدنش را به قبری ننماید.

د) ادبیات زیارت

کتاب‌های «راهنمای زیارت» (Pilgrimage Guides) در مجموع به عنوان «کتاب الزیارة» شناخته می‌شوند. این کتابها، همراه و همدمی برای زائران باتجربه بودند تا افراد مقدس را به یاد داشته باشند و دعای خیری برای قدیسان در گذشته بخوانند و به زیارت آرامگاه یا مقبره آنها بروند. این کتاب‌ها در کنار انعکاس انواع مختلفی از جریان‌ها و احادیث از اوایل دورهٔ اسلامی ارائه‌کنندهٔ درکی واقعی از انواع مراسم زیارات و در نتیجه منبعی مهم برای درک احترام اشخاص مقدس بوده‌اند. این کتاب‌ها گاهی اوقات حتی نام اماکن رایج و مقدس یهودی و مسیحی را نیز ذکر کرده‌اند.

تعدادی از عوامل مختلف به ظهور کتاب‌های «راهنمای زیارت» به عنوان یک زائر مذهبی کمک کرده‌اند. گسترش اراضی اسلامی از قرن اول تا سوم هجری منجر به این شد که دانشمندان مسلمان به ثبت و اظهار نظر درباره مکان‌های تدفین صحابه پیامبر [ﷺ] پردازند که در شهرهای نظامی (پادگان‌ها) اقامت داشته و در نبردها به شهادت رسیده بودند. احادیث مشابهی با درجات مختلفی از اعتبار، درباره انبیا و دیگر چهره‌های کتاب‌های مقدس نیز ذکر شده‌اند.

احادیث مربوط به زیارت، صورت تکامل یافته‌ای از احادیث فضایل هستند که بر ماهیت اسلامی و حرمت یک مکان از طریق شناسایی محل دفن پیامبران، شهیدان و یا قهرمانان تأکید دارند. چنین روایاتی از محاسن و ویژگی‌های معنوی شهرها، قدیسان و مکان‌های خاص تعریف و تمجید می‌کنند. تدوین سیستماتیک روایات به ظهور تاریخ‌های منطقه‌ای و راهنماهای زیارت شهرهایی مانند قاهره، دمشق، حلب، کوفه و نجف یاری رساند و همچنین به دیگر انواع ادبی که اغلب اماکن زیارتی را ذکر می‌کنند.

تنها نمونه شناخته شده از ادبیات زیارت برای کل جهان اسلام و بخش‌هایی از دریای مدیترانه مسیحی و بیزانس در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم قمری، اثر دانشمند و زاهد سوری علی بن ابی بکر بن علی الهروی به نام «الإشارات إلی معرفة الزیارات» است.

تقریباً تمام دانش ما راجع به زیارت در زیارتگاه‌های شبه جزیره عربستان از این منبع به دست آمده است. نویسنده به ثبت مکان‌ها و سنت‌های متداول مرتبط با آنها، بر اساس روایات دست اول و دست دوم می‌پردازد. این کتاب به‌طور منظم روایات مشهور را در بردارد و آنها را به روش‌های گوناگونی ارائه می‌کند؛ گاهی می‌گوید: «گفته می‌شود» (قیل - یقال)، مطابق روایات محلی (كما ذکرنا - یذکرون) مطابق آنچه مردم آن محل گفته‌اند (كما ذکر اهل الموضع). او اغلب این روایات را از طریق گفتن این جمله مورد بحث قرار می‌دهد: «حقیقت این است که...» (و الصحیح أن).

این کتاب پایه‌ای برای راهنماهای زیارت اواخر قرون وسطی و تاریخ‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در منطقه شام ارائه می‌کند. با این حال بر خلاف دیگر راهنماهای زیارت، هیچ

مدرکی وجود ندارد که نشان دهد برای زیارت به کار گرفته می شده است. در واقع، نویسنده این اثر را به «خلیفه عباسی» اختصاص [هدیه] داده است. علاوه بر این، به اندازه راهنماهای زیارت مصر در ارائه جهت ها و فاصله ها صریح نیست. مجموعه اشارات، شبیه به یک برنامه سفر است، اما فاصله بین مکان ها و یا مدت زمان صرف شده در یک مکان خاص را ذکر نمی کند. در واقع، این راهنما تلفیقی از حافظه، منابع قابل اعتماد و یادداشت هایی است که ممکن است جان سالم بدر برده باشند و البته توسط فرانکها^۱ (صلیبی ها) در سال ۵۸۸ هجری تصرف شده اند. همه راهنماهای زیارت از یک زبان مشترک برای اشاره به اماکن زیارتی استفاده می کنند، زبانی که نه تنها صرفاً ماهیتی توصیفی دارد بلکه نشان دهنده مراسماتی است که مریدان انجام می داده اند و همچنین ماهیت مقدس این مکان ها.

با نبود یک سنت یکپارچه و جهانی برای کتاب های راهنمای زیارت، بسیاری از سنت ها و احادیث ظهور یافتند که بازتاب دهنده انواع شیوه های محلی و منطقه ای بودند. راهنماهای زیارتی در سراسر جهان اسلام، ماهیتی اشتقاقی دارند؛ به این معنی که اغلب از سنت های قبلی گرفته شده اند. اولین راهنمای زیارتی شناخته شده، خاستگاه شیعی دارد. کتاب الزیارة فقیه کوفی، حسن بن علی بن فضال تیملی الکوفی (د. ۲۲۴ ق. / ۸۳۸ - ۹ م). هیچ ارتباطی بین پیدایش و رشد راهنماهای زیارتی در عراق و شکل گیری راهنماهای زیارتی در مصر وجود ندارد. راهنماهای مصری و یا بعداً سوری، برخاسته از خاستگاهی شیعی نیستند. نویسندگان راهنماهای سنیان و شیعیان بر ادبیات فضایل تأکید کرده و این کتب با هدف ستایش از یک محل تدوین شده اند. با این حال، راهنماهای شیعی بر روایات منسوب به تعدادی از امامان، به ویژه امام جعفر صادق [ع] تکیه می کنند، که تا حد زیادی مربوط به امام حسین و امام علی [ع] و دیگر اعضای خانواده پیامبر است.

۱. فرانک ها یکی از قبایل ژرمنی اروپای شمالی بودند. آنها از آلمان به داخل امپراتوری روم آمدند و به عنوان هم پیمان روم تلقی شدند. فرانک ها توانستند حکومتی دیرپا بنا کنند که بخش اعظم فرانسه امروزی و مناطق غربی آلمان را تحت پوشش خود قرار می داد. ایمان آوردن کلوویس یکم، شاه کافر فرانک ها به مسیحیت در قرن پنجم میلادی، رخدادی تأثیرگذار در تاریخ اروپا به شمار می رود. (مترجم)

هـ) راهنماهای زیارتی شیعیان

این کتابها با مراسمات (مناسک) زیارت و نه فقط با آداب و رسوم، آنطور که در مورد اهل سنت دیده می‌شود، سروکار دارند. مناسک معمولاً در منابع اهل سنت به مراسم و مناسک حج اشاره دارد. راهنماهای شیعی بر اهمیت رفتار آیینی، به مراتب بیشتر از آنچه در منابع سنی آمده است تأکید دارند. قدیمی‌ترین راهنمای شناخته شده شیعی شامل همان کتاب «الاشارات» است که عن قریب معرفی شد و همچنین کتاب «کامل الزیارات» ابن قولویه (متوفای ۳۶۸ ق. / ۹۷۸-۹۷۸ م)، کتاب المزار از شاگرد او محمد بن محمد النعمان الحارثی (شیخ مفید) (متوفای ۴۱۳ ق. / ۱۰۲۲ م) و کتاب المزار ابن داود قمی (متوفای ۳۶۸ ق. / ۹۷۸ یا ۳۷۹ ق. / ۹۸۹) و کتاب «المزارات الکبیر». چنین راهنماهایی رفتارها و ادعیه آیینی را قبل از انجام زیارت توصیف می‌کنند؛ مانند نوع آداب و مناسکی که شیخ مفید به آنها، به عنوان مناسک اشاره می‌کند. او و ابن قولویه احادیثی را نقل می‌کنند که نشان می‌دهد شیعیان تأکید زیادی بر زیارت مقبره حضرت علی [علیه السلام] در نجف و مقبره حضرت امام حسین [علیه السلام] در کربلا داشته‌اند. یکی از این حدیث‌ها در مورد اباعبدالله الحسین [علیه السلام] می‌گوید: «زیارت مقبره امام حسین [علیه السلام] برابر و شاید بیش از بیست سفر حج در مکه ارزشمند است.» حدیثی مشابه درباره زیارت مقبره امام حسین [علیه السلام] در روز عرفه نیز وجود دارد.

از آنجا که اینگونه اعمال آیینی مستحبی، بخش اصلی و مرکزی مراسمات شیعیان را تشکیل می‌داد، دانشمندان و امامان شیعه بر این مناسک نظارت داشته و از پیروان خود می‌خواستند که آن اعمال را طبق توصیه ائمه در روایات انجام دهند تا آنجا که انجام هر عملی - اگر مطابق دستورات امامان اجرا نمی‌گشت - تا این اندازه غیر اسلامی شمرده نمی‌شد. عمل بر طبق توصیه پیشوایان شیعه، در تغایر با مفهوم زیارت اهل تسنن است که در آن کنترل کمتری وجود دارد. برای شیعیان، انجام زیارت مزایای بسیاری داشته است. علاوه بر دریافت منافع موقت انجام حج و عمره، برای رفع غم و اندوه و تطهیر گناهان نیز مفید بود. در هر جا که شیعیان اقامت داشتند، عبادات و مناسک مشابهی را رعایت می‌کردند. انطباق با آیین و آداب ظاهری و تثبیت مراسم، لزوم تشکیل و توسعه مراکز زیارتی، اصلی بود که برای سنی‌ها وجود نداشت.

همچنین فرقه‌های محلی حایز اهمیت نبودند و به همین جهت شیوه‌های آیینی محلی در کتاب‌های راهنمای زیارت حفظ نشده و تنها در تاریخ‌های محلی ثبت شدند. حاکم شیعه حمدانی حلب سیف الدوله (۳۳۳-۵۶ ق. / ۹۴۴-۶۹م) از شیفتگان امامان و قدیسن بود که به تشویق و حمایت و ساخت زیارتگاه در حلب و روستاهای دور افتاده پرداخت. بر زائر شیعه لازم بود از لذت‌های دنیوی پرهیز کند. زیارت مرقد امام حسین [علیه السلام] در کربلا تجربه‌ای خاص بود که مشارکت کامل شیفتگان و فداییان در اظهار غم و اندوهی بزرگ برای شهادت امام حسین [علیه السلام] را می‌طلبد نه فقط غم و اندوهی عادی که مؤمنان برای مرگ عزیزانشان نشان می‌دادند بلکه هدف نهایی این زیارت این بود که زائر همان تجربه عذاب جسمی و روحی در واقعه کربلا را تکرار کند.

بر خلاف بسیاری از راهنماهای اهل تسنن، راهنماهای شیعیان توسط متکلمان برجسته؛ مانند ابن قولویه و شاگرد او، شیخ مفید، نوشته شده‌اند. کتاب المزار شیخ مفید به دو بخش تقسیم شده است که بخش نخست آن مربوط به فضایل و ویژگی‌های معنوی کوفه، مسجد (جماعت) آن و فرات و غیره بود. به دنبال آن، توصیفی از زیارت حرم حضرت علی [علیه السلام] و بحث در مورد ضرورت زیارت مقبره حضرت امام حسین [علیه السلام] و محاسن و فضایل زیارت آنجا، به ویژه در روزهای مختلف مقدس نگاشته شده بود. مراسمات زیارتی، بسیار توسعه یافته بودند تا آنجا که شیعیان عبارت‌های از پیش تعیین شده‌ای را در هر مرحله به زبان می‌آوردند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب‌های راهنمای شیعیان را شاید بتوان به عنوان کتابچه‌هایی راهنما از سوی متکلمان برای آموزش زائران بی سواد و امی در فعالیت‌های گروهی انجام شده در زیارت‌ها در نظر گرفت. بخش دوم از کتاب راهنما در ابتدا با زیارت مقبره حضرت محمد [صلی الله علیه و آله] و خاندان او، که در مدینه به خاک سپرده شده‌اند آغاز می‌گشت و همچنین امامان شیعه. شیخ مفید نیز یک بخش از کتابش را به ادعیه تلخیص شده اختصاص داده که نشان می‌دهد مطالب ذکر شده در ابتدای بخش دوم برای حفظ سریع و آنی قبل از انجام زیارت بوده نه برای خواندن یا مطالعه مفصل.

شیعیان نیز دعاهای خاصی برای زیارت در آرامگاه امام اول، حضرت علی (علیه السلام) دارند که شامل یک سری از ادعیه و قرائت سوره‌های خاصی از قرآن بود. با قرار دادن گونه سمت راست و سمت چپ بر روی زمین و لعنت فرستادن برای دشمنان حضرت علی و همه کسانی که به او ستم کردند.

این کتاب‌های راهنما، امکنه موجود در سوریه را که زائران در آنجا زیارت کرده‌اند، ذکر نمی‌کنند؛ چرا که هیچ امامی در آنجا به خاک سپرده نشده است. با این حال، شیعیان سوریه و لبنان بسیاری از همان مراسم و آداب و رسوم ذکر شده در این راهنماها را در امکنه مقدس محلی همانند آنچه در زیارتگاه‌های امامان در عراق و ایران اجرا می‌شود انجام می‌دهند. به رغم فقدان شواهد مربوط به مراسم زیارت شیعیان در سوریه، متکلمان حلبی و دمشق به شهرهای مقدس عراق سفر می‌کرده‌اند و متکلمانی که از شرق به زیارت می‌آمده‌اند، به اشاعه تعالیم مناسب از ائمه و مراسم مناسب زیارت می‌پرداختند.

قدیمی‌ترین کتاب بازمانده، راهنمای زیارت مصری - که به عنوان پایه‌ای برای کارهای بعدی بکار گرفته شده - کتاب «مرشد الزوار إلى قبور الأبرار» از فقیه و دانشمند و محقق احادیث شیعه، عبدالرحمان بن عثمان (متوفای ۱۲۱۸/۶۱۵). همانند کتاب‌های راهنمای دیگر، این کتاب نیز با مکان نگاری مقدس مراکز زیارتی آغاز می‌شود، که در این مورد جبل المقطم و قبرستان قرافه هستند. به دنبال آن توصیفات از مساجد و واقفین آنها، روایت‌های تاریخی مربوط به زیارت، احادیث مربوط به اینکه مردگان صدای زنده‌ها را می‌شنوند، بحث درباره آداب راه رفتن در قبرستان با کفش، دعاهای خوانده شده هنگام ورود به قبرستان، قوانین و مقررات زیارت و مراسم‌های مختلف آیینی (قربانی کردن، نماز، و غیره). در نهایت، نویسنده لیست مقبره‌ها، کیفیت مؤثر آنها، آداب و رسوم مربوط به آنها و مسیرهای دقیق رفتن به زیارت را آورده است. این راهنما صرفاً توصیفی نبود بلکه تجویزی نیز بود. در واقع، مملو از دستورالعمل‌ها و توصیه‌ها به زائر آنطور که در طول سفرش از مقصدی به مقصد دیگر می‌رفت. هم عصر ابن عثمان، مجدالدین بن محمد بن عبدالله الناسخ (متوفای حدود ۶۹۶ ق. / ۱۲۹۶ و ۹۷)، یک مقام دون پایه مصری در خدمت

وزیر ابن حنا، کتاب راهنمای دومی به نام «مصباح الیداجی و غوث الراجی و كهف اللاحی» نوشت. در طول قرن ۹ هجری، عارف صوفی شمس الدین ابو عبدالله محمد بن محمد بن الزیات (متوفای ۸۱۵ ق.) راهنمای خود به نام «الکواكب السیارة فی ترتیب الزیارة فی القرافتین الکبری و الصغری» (قاهره ۱۹۰۷).

راهنمای دیگری که توسط نورالدین ابوالحسن علی بن احمد بن عمر بن خلف بن محمود السخاوی الحنفی (متوفای ۴۸۲ ق.)، تحت عنوان «تحفة الأحباب و بغیة الطلاب فی الخطط والمزارات والتراجم والبقاع المبارکات» نوشته شد. زیارت قاهره ای ارتقا یافت به یک موسسه استادانه و دارای راهنماهای شناخته شده به عنوان «مشایخ الزیارة» که زائرین را در گورستان‌های قرافه در جبل المقطم به زیارت می‌برد.

راهنماهای زیارت سالها بعد در منطقه شام خیلی دیرتر از مصر توسعه پیدا کردند. با این حال، بخش زیادی از دانش ما پیرامون موضوع زیارت در قرون وسطی در سوریه نشأت گرفته از منابع تاریخی است. بر خلاف مصر، که در آن ادبیات زیارت در زمان فاطمیون و ممالیک شناخته شده بود، قدمت قدیمی ترین راهنمای زیارت موجود سوریه به اوایل قرن دهم هجری باز می‌گردد. نبود کنترل رسمی اهل تسنن بر زیارت همانند نبود کنترل بر مشایخ الزیاره، و از یک سنت اولیه متمرکز بر سنت زیارت باعث ظهور بعدی راهنماها شد. با این حال، اشعاری مانند شعر خوانده شده مورخ دمشقی ابن عساکر (متوفای ۵۷۲ ق.) در کوه قاسیون از اجرای زیارت به مکان‌های زیارت آن ستایش می‌کنند. مسلمانان به نوشتن شعر در مورد مکان‌های مقدس خود عادت کرده بودند. شرح خلاصه‌ای از اماکن زیارتی نیز در آثار جغرافیایی، مانند نخبة الدهر دمشقی و روایت‌های کامل تر در سفرنامه‌هایی مانند رحلة ابن جبیر و ابن بطوطه پیدا شده است، که به‌طور معمول اماکن زیارتی را در هنگام توصیف اماکن ذکر می‌کنند.

خلیل بن شاهین الظاهری (۸۷۳ ق.) در اثر خود به نام زبده کشف الممالک و بیان الطرق و المسالک، و جناب ارنست فردریک کارل لایزیگ (۱۸۲۸ م)، همواره تعداد مساجد جامع، مدارس، زیارتگاه‌ها (مشاهد)، اماکن زیارتی (مزارات) و مکان‌های مبارک (اماکن متبرکه) را یک به یک ذکر می‌کند. محوریت این نامگذاری‌ها در اثر الظاهری

و تاکیدى که او بر «اماکن متبرکه» دارد، نشان دهنده اهمیت معاصر مکان‌های زیارتی است. قرن‌های شش و هفت هجری شاهد افزایش فعالیت در گردآوری احادیث زیارت و توصیف مکان‌های زیارتی و مراسم و آداب و افسانه‌های مربوط به آنها بوده است. این آثار نشان دهنده یک گذار از یک سنت زیارت شفاهی به کتبی در میان دانشمندان و مورخان شام است. مورخانی مانند ابن عساکر محمدبن علی العظیمی (متوفای حدود ۵۵۶ق.)؛ یحیی بن ابی طی (متوفی حدود ۶۲۵ - ۳۰ / ۱۲۲۸ - ۱۲۳۳ بینید ابن ابی طی)، ابن العدیم (متوفای ۶۶۰ق.)، ابن شداد (متوفای ۶۸۴ق.) و ابن شحنه (م. ۸۹۰ق.) در تاریخ‌های خود فهرست‌های مفصّلی از مقبره‌ها، زیارتگاه‌ها و بناهای تاریخی دیگر برای دوره‌های مرداسیان، حمدانی‌ها، ایوبیان و ممالیک را گنجانده‌اند. آثار آنها جزئیات قابل توجهی در رابطه با تأسیس بناهای تاریخی، تأثیر آنها، افسانه‌های مرتبط با آنها و اعمال و باورهای مردم عادی و برخوردهای آنها را با افراد مقدس فراهم می‌کند. برخی از این سنت‌ها حاصل تجربیات شخصی نویسندگان و یا معاصران آنها می‌باشد. موضوع قابل توجهی است که برای احادیث مربوط به مقبره خاندان پیامبر، همراهان او و پیروانش در سراسر این آثار مشهود است.

ابن عساکر تعدادی از فصل‌های تاریخ خود را به مکان‌های نماز، مقبره و زیارتگاه در داخل و اطراف دمشق اختصاص داده که در آنها زیارت انجام می‌شده است. یک بخش شامل نوزده حدیث در مورد محل دفن پیامبران و صحابه به روایت تعدادی از صحابه و چندین گزارش توسط مورخ دمشقى ابو زرعاً (متوفای ۲۷۰)، که اعتبار تعدادی از مقبره‌ها را به نقد می‌گیرد با چنین جملاتی: «با توجه به مدرک بن زیاد من هیچ اشاره‌ای به او پیدا نکردم به جز بر روی لوح قبر او از یک منبع غیر قابل تأیید.»

همانند اشارات هروی آثار ابن عدیم و ابن شداد منعکس کننده سطح محبوبی از گفتمانها است و همچنین اشاره به فعالیت‌های مردم دارد. ابن عدیم که معاصر هروی بود و خودش از او چندین روایت شنیده بود، یک فصل از اثر خود بغیة الطلب را به تاریخ حلب به «مکان‌های زیارتی (مزارات)، مقبره پیامبران و اولیا و مکان‌های مقدس (مواطن) در حلب و مناطق آن، که برای تحقق تضرع» شناخته شده است. این روایت

شامل ۵۷ مکان زیارتی برای حلب و مناطق آن؛ از جمله روایت‌های گرفته شده از هروی و پدر نویسنده است.

ابن شداد سه فصل از کتاب «الأعلاق الخطيرة في ذكر أمراء الشام و الجزيرة» را به مکان‌های زیارتی در حلب، دمشق، اردن، فلسطین و لبنان اختصاص داده است. او به‌طور گسترده بر هروی برای زیارت فلسطینی و دمشقی و ابن عدیم و ابن ابی طی برای مکان‌های حلب متکی است. فقیه حنبلی محمد بن عبدالهادی (متوفای ۷۴۴ ق.)، که یک عضو از خانواده مقدسی بود، همچنین تعدادی دیگر از آثار به جای مانده، از جمله یک جزوه در مورد زیارت و دیگری درباره حدیث در مورد زندگی پیامبران و مقابر ایشان. همچنین شامل جزئیات منحصر به فرد مربوط به اماکن زیارتی ایوبیان است.

ابن طولون (متوفای ۹۵۳ ق.) که مورخی پرکار و مفسر در فضای سیاسی و اجتماعی ممالیک و اوایل عثمانی دمشق بود، از مؤمنان معتقدی به شمار می‌رفت که به صورت منظم به زیارت مقبره‌ها و زیارتگاه‌ها در دمشق می‌شتافت. وی را می‌توان توسط آثار بشمارش که به ذکر مکان‌های زیارتی دمشق و قدیسان؛ از جمله «مفاهمة الخلان في حوادث الزمان» و «القلائد الجوهريّة في تاريخ الصالحية» اختصاص داده شده، قضاوت کرد. سیزده اثر دیگر که جنبه‌های مختلف از فرقه‌های قدیسان را ذکر کرده بود، در حال حاضر از دست رفته‌اند اما به‌طور گسترده‌ای در آثار ذکر شده و در زندگینامه خودش به نام «الفلک المشحون في أحوال محمد بن طولون» نقل شده است. دو اثر دیگر نجات یافته‌اند که اولین آنها «تحفة الحبيب فيما ورد في الكتيب» است که مربوط به مقبره موسی در دمشق و جریکو (أريحا) در حالی که «غاية البيان في ترجمة الشيخ أرسلان» درباره زندگینامه او و شرح محل دفن اوست.

زنان زیارت کننده از مقبره‌ها باعث شدند ابن طولون به نوشتن اثری که دیگر موجود نیست دست بزند به نام «التوجهات الست إلى كف النساء عن قبر الست» در برابر دیدن خود از حرم مشهور نوه پیامبر سیده زینب در یک روستای جنوب دمشق.

در «القلائد الجوهريّة» جوهری، که در مورد تاریخ الصالحية در خارج از دمشق نوشته شده است. ابن طولون یک فصل را به اماکن زیارتی معروف آن و آرامگاه‌های آن

اختصاص داده است. او با آوردن لیست تعدادی از غارها و محراب‌ها «، مساجد و مدارس و به دنبال آن مقبره مهم‌ترین افراد که برای آنها روایت‌های زندگینامه دقیق بر اساس اعضایی از خانواده مقدسی و دیگران شروع می‌کند. مقدسی‌ها همچنین تعدادی از آثار مهم زندگینامه‌ای را نوشتند، که بخشی از آنها به جای مانده است.

اولین راهنمای شناخته شده دمشق راهنمای زیارت ابن الحورانی به نام «الإشارات إلی أماکن الزیارات» است (دمشق ۱۹۸۱)، که بر آثار ابن طولون، الرباعی به نام فضایل الشام و ابن عساکر به نام تاریخ مدینه دمشق متکی است. ابن الحورانی در پاسخ به درخواستی، اشارات را نوشت، با قصد هدایت (دیگران) به عدالت طوری که آن را به عنوان کمک به کسی است که به زیارت می‌رود (طالب الزیارة)، با اطاعت از کلمات خداوند متعال، «اجازه دهید جامعه‌ای از شما به وجود آید که به دنبال عدالت باشد» (قرآن: ۳، ۱۰۴).

این راهنما شامل بیش از یکصد مکان زیارتی برای دمشق و روستاهای دور افتاده آن و تعدادی از محلات دیگر سوریه مانند حلب و روستاهای اطراف آن، مقبره‌ها، زیارتگاه‌ها، مساجد، مناره‌های آن و غارهای مقدس، با ستایش از دمشق و مسجد جامع آن، احادیثی در مورد سر یحیی بن زکریا، مناره‌ای که در آن عیسی در پایان زمان فرود خواهد آمد و تعدادی از زیارتگاه‌های شخصی مانند مقبره هود، سیده رقیه و نورالدین آغاز گشته است. برای هر مدخل نویسنده زندگینامه آن شخص مقدس را می‌آورد. باقیمانده راهنما بر اساس امکان تبویب شده است با شروع بخش غربی این شهر. پس از آن، به بخش‌های جنوبی، شرقی و شمالی پیش می‌رود.

فصل ششم شامل اماکن زیارتی در روستاهای دور افتاده است. به دنبال این فصل تعدادی از محلات شمال سوریه آورده شده‌اند. ابن حورانی اماکن زیارتی را بر اساس سنت نهادینه زیارت مانند آنهایی که در آثار الرباعی ابن عساکر، و ابن طولون یافت می‌شوند گنجانده است.

فصل پایانی به قوانین و مقررات زیارت اختصاص داده شده است. به گفته ابن الحورانی زیارت با یاد خدا و با قصد زیارت آغاز می‌شود. نویسنده پس از آن، نشان می‌دهد که زائر بر خود و گناهان خود که او را از نزدیک شدن به خدا منع می‌کند،

متمرکز می‌گردد. او یک حالت تصفیه کننده را تجربه می‌کند که در آن خود را سرزنش و سپس اشک می‌ریزد. سپس به درگاه خدا دعا کرده و آیاتی از قرآن می‌خواند در حالی که صادقانه برای رسیدن به هدف خود تلاش می‌کند و از گفتن کلمات ناپاک خودداری می‌کند. زیارت نه تنها وسیله‌ای برای احقاق استدعاهای شخصی است بلکه مریدان باید خدا و زندگی پس از مرگ را به یاد داشته باشند، دعا کرده و قرآن بخوانند. این هدف نهایی زیارت است.

قاضی محمود عدوی (متوفای سال ۱۰۳۲) نویسنده کتاب الزیارات بدمشق: (دمشق ۱۹۵۶) است، که به تقلید از اشارات ابن الحورانی اذعان کرده و متکی بر بسیاری از همان منابع و تعدادی از آثار ادبی، مذهبی و تاریخی است و مقبره ۹۸ فرد مقدس و برخی امکان زیارتی را ذکر می‌کند. تاکید بر جزئیات زندگینامه افراد، این تألیف را به اثری زندگینامه‌ای متحول کرده تا اینکه یک راهنمای زیارت برای استفاده در طول سفر زیارتی باشد. عدوی درباره هدف استفاده از این راهنما صریح و روشن سخن نگفته است. با این حال، ممکن است بتوان فرض کرد که آن را برای ادای خدمت به عنوان یادبود به اشارات ابن الحورانی در نظر گرفته، اما بر قوانین و مقررات زیارت تأکیدی نمی‌کند.

یاسین بن مصطفی الجعفی البقاعی الحنفی الماتریدی (متوفای ۱۰۹۵)، نویسنده راهنمای «النبذة اللطيفة في المزارات الشريفة» با صراحت در مورد هدفی که زائران باید داشته باشند حرف زده است. البقاعی قصد داشت که این راهنما در طول سفر زیارتی به عنوان کمک برای به خاطر سپردن قدیسی که در یک محل خاص به خاک سپرده شده بودند استفاده شود، شاید حتی نشان می‌دهد که زائر باید بسیاری از مکان‌های زیارتی را که در توان دارد زیارت کند.

در سراسر قرن هجدهم، صوفی دمشقی عبد الغنی النابلسی (متوفای ۱۱۴۳ق.) چندین سفر به بلاد شام، مصر و حجاز داشت که در آن به دقت جزئیات مکان‌های زیارتی را ثبت کرد. وی همچنین در یکی از چندین اثر خود در طول سفرش به نام «الحضرة الإنسانية في الرحلة القدسية» به یک سفر ۴۴ روزه از دمشق به اورشلیم رفت و از زیارتگاه‌های متعددی بازدید کرد.

1. Al - Yunini, Dhayl mir'at al - zaman, Haydarabad 1954 - 61.
2. Al - Turkumani, K al - Luma' fi '1 - hawadith wa '1 - bida', ed. S. Labib, Cairo 1986.
3. Al - Shaykh al - Mufid, K. al - Mazdr, Kum 1988, 20
4. Al - Ghazali, Ihya ul ulum al - din, iv, 492.
5. G. Makdisi, Ibn Aqil, religion and culture in classical Islam,Edinburgh 1997, 209
6. Hayward, Oxford 1999, 263 - 86; idem, sacred journeys.
7. Ibn Kuluya, Kdmilal - ziydrdt, Beirut 1997, 250 - 1
8. Ibn Kayyim al - Djawziyya, Ighathat al - lahfan min masayid al - shaytan, Beirut 1986, i, 220 - 21, 304. Concerning such parallels, see Meri, The etiquette of
9. J.W. Meri, "*Sacred journeys to sacred precincts*", "*The cult of saints among Muslims and Jews in medieval Syria*", D.Phil. thesis, Oxford Univ,1998.
10. Makdisi, op. cit., 210)
11. Madjmu' fatawa, al - Riyad 1991, xxvii, 31 - 2)
12. Iktida al - sirat al - mustakim mukhalafat ahl al - djahim, Cairo 1950, 374).
13. Madjmu' fatawa, xxvii, 71
14. M.M. Chamberlain, Knowledge and social practice in medieval Damascus, Cambridge.
15. Taylor, Reevaluating the Shii role in the development of monumental Islamic funerary architecture: the case of Egypt, in Muqarnas, ix [1992],3 - 10; C. Williams, The cult of Alid saints in the Fatimid monuments of Cairo, in ibid., i [1983], 37 - 52, iii [1985],39 - 60
16. Y. Raghil, Essai d'inventaire chronologique des guides a l'usage des pelerins du Caire REI, xli

کتابشناسی

(علاوه بر کتب معرفی شده در مقاله)

1. A. Elad, Medieval Jerusalem and Islamic worship. Holy places, ceremonies, Pilgrimage, Leiden 1995; 1 .
2. C.S. Taylor, In the vicinity of The righteous, Ziyara and the veneration of Muslim saints in late medieval Egypt, Leiden 1999;
3. Goldziher, Muh.Studien, ii, 277 - 34, Eng.tr.Barber and Stern, Muslim studies, ii, 255 - 341("Veneration of saints in Islam");
4. J.Gonnella, Islamische Heiligenverehrung im urbanen Kontext am Beispiel von Aleppo (Syrien), Berlin 1995;
5. J.Sourdel Thomine, Les anciens lieux de pelerinage d'apres les sources arabes, in BEO, xiv (1954), 65 - 85;
6. J.W. Meri, Aspects of Baraka (blessings) and ritual devotion among medieval Muslims and Jews, in medieval encounters. Jewish, Christian and Muslim culture in confluence and dialogue, v (1999). J.W.MERI
7. Lisa Golombek, The cult of saints and shrine architecture in the fourteenth century, in D.K.Koyumjian (ed.), Near Eastern numismatics, iconography, epigraphy and history. Studies in honor of George C. Miles, Beirut 1974, 419 - 30;
8. M. J.Kister, "You shall only set out for three mosques." A study of an early tradition, in Le Museon, Ixxxii (1969), 173 - 96;
9. M.U.Memon, Ibn Taimiya's struggle against popular religion, with an annotated translation of his Kitab iqtida al - sirat al - mustaqim Mukhalafat ahlal - jahim, The Hague 1976;
10. N.H.Oleson, Culte des saints et pelerinages chez Ibn Taymiyya 1268/661), (1328/728 - Paris 1991);
11. R.B.Serjeant, Haram and Hawtah, the sacred enclave in Arabia, in 'A. al - Badawi (ed.), Melanges Taha Husain, Cairo, 1962, 58 - 41.